

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال سیزدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۹۸
صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۲

حاکمیت بر فضای سایبر از منظر حقوق بین الملل و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

افشین جعفری / استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، jafariashin@yahoo.com

چکیده

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن بررسی فضای سایبر به واکاوی چالش‌های فراوری حاکمیت در فضای سایبر از منظر حقوق بین‌الملل و ایران پرداخته است که نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که فضای سایبر، قدرت حکومت‌ها و دولت‌های ملی و نیز حاکمیت آن‌ها بر فضای ملی را به چالش می‌کشد. فضای سایبر می‌تواند به تولد و رشد نیروهای ضد حکومتی، کاهش مقبولیت حکومت‌ها نزد شهروندان، افزایش قدرت مانور نیروهای ضد حکومتی، چه در مقیاس شهروندی و فضای ملی و چه در مقیاس فراکشوری و جهانی و به‌طور کلی، امکان تهدید، تضعیف، سقوط و جابه‌جایی دولت‌ها و حکومت‌های ملی و ارزش‌های موردنظر آن‌ها و جایگزینی نیروهای رقیب و نیز کاهش اقتدار حاکمیتی آنان منجر شود. از این‌رو با توجه به قابلیت فضای سایبر و ویژگی‌های ساختار حاکمیتی در جهان و ایران، کشور ایران نیز در معرض این چالش‌ها و تهدیدات قرار گرفته است که باید حاکمیت و دولت به تکاپو افتاده تا از پس این چالش برآیند و تهدیدات علیه خود را کاهش داده یا از بین ببرند؛ بنابراین با توجه به فرصت‌ها و قابلیت‌های فضای سایبر به شناسایی تهدیدات علیه حاکمیت پرداخته و در جهت مقابله با آن تدابیر مناسب اتخاذ شود و در خصوص نحوه حاکمیت بر فضای سایبر، می‌توان گفت ایران بایستی همچون کشورهای دیگر هم از روش قانون‌گذاری ملی و هم از روش‌های مورد توافق جامعه بین‌المللی استفاده نماید.

کلیدواژه: حاکمیت، فضای سایبر، تهدیدات، قدرت نرم، حقوق بین‌الملل

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

مقدمه

علاوه بر فضای جغرافیایی که دربرگیرنده ساختارهای عینی و قابل درک است، فضای سایبر هم می تواند به موازات فضای جغرافیایی مطرح و دارای التزامهای خاص خود باشد. فضای سایبر، روزهایی نو را برای ملت های جهان و نیز ساختارهای حاکمیتی گشوده است. این فضا، همانند فضای جغرافیایی، تهدیدها، چالش ها و فرصتهایی را فراهم آورده که حاصل ظهور و کنش بازیگران در این حوزه است و خصوصاً می تواند بازخوردی گسترده تر از ابعاد محلی یا منطقه ای داشته باشد (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۲: ۹۳). ما در جهانی زندگی می کنیم که سخت درگیر دو تحول انقلابی گسترده است. برخلاف انقلاب های سنتی، دگرگونی های انقلابی کنونی بیشتر جنبه تکنولوژیک، آگاهی رسانی، اقتصادی و جغرافیایی در ابعاد تازه ای از کارکرد فضا دارد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۶۶). برخی پدیده ها به سرعت می توانند حوزه های فرهنگی و اقتصادی و حتی سیاسی را در کوتاه مدت به چالش های عمیقی دچار کنند که لازم است نخبگان و دولت ها با شناخت کافی از آنها و حتی بعضاً با پیش بینی حرکت آنها، نسبت به جلوگیری از انواع گسست های اجتماعی که حاصل از عدم برخی تطابقات است، گام های مؤثر و عملی بردارند. یکی از مهم ترین این پدیده ها، فضای سایبر است.

توسعه فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و دفاعی - امنیتی منجر شده است. عصر اطلاعات جامعه بشری را با رویکردهای جدید در ابعاد مختلف مواجه می سازد. در عصر اطلاعات مفاهیم سنتی موجود در زمینه هایی همچون حقوق، اقتصاد، آموزش، فرهنگ، کسب و کار، مدیریت، تجارت و دفاع دچار تحولات اساسی شده است. قدر مسلم آن است که همگام با توسعه روزافزون فناوری اطلاعات، ابزارها و شیوه های مختلف تهاجمی نیز به سرعت گسترش یافته و توان تخصصی و درجه پیچیدگی نفوذگران عامل تخریب یا غارت سیر صعودی پیدا کرده است.

فضای سایبر شامل ابعاد تکنولوژیک، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی است. این فضا متشکل از قوانین ملی مختلفی است که چارچوب نظارتی آن برخی به صورت خودگردان و برخی از طریق معاهده های دوجانبه و چند جانبه تحت مدیریت و نظارت هستند. بحث در مورد چگونگی استفاده از اینترنت و حاکمیت بر فضای سایبر، دولت ها، اشخاص حقوقی خصوصی و بین المللی را به چالش کشیده است. این اختلافات به حدی رسیده که یکی از موضوعات مهم در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی را به خود اختصاص داده و تعداد زیادی از اعلامیه ها،

دستورالعمل‌ها و چارچوب این اجلاس مربوط به حاکمیت بر اینترنت و فضای سایبر بوده است. در دهه اخیر یونسکو نیز به عنوان یک بازیگر مهم به این بحث وارد شده است. این دغدغه‌ها منجر به این شد که یونسکو در سپتامبر ۲۰۱۳ نظر خود را در خصوص "جهانی بودن اینترنت" اعلام نموده و چهار اصل کلیدی برای آن تعیین نموده است: حق داشتن اینترنت، باز بودن، دسترسی پذیری و مشارکت چند جانبه که در برخی متون حقوقی به اختصار R.O.A.M گفته شده است. همچنین در نوامبر ۲۰۱۳، ۱۹۵ کشور عضو یونسکو، طی قطعنامه شماره ۵۲ خواستار مطالعات جامع و چند گانه‌ای در خصوص مسائلی همچون دسترسی به اطلاعات، آزادی بیان، حریم خصوصی و ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی شدند. به نظر اکثریت کارشناسان، فضای سایبر بر اساس ۵ اصل کلی بر حکومتداری مطلوب تأثیر گذار بوده و است:

۱- پروتکل‌های استفاده شده در طراحی و معماری فنی اینترنت جلوه‌ای از قدرت سیاسی دارد چراکه از طریق این پروتکل‌ها می‌توان بر محتوای داده‌ها کنترل و نظارت داشت. بنابراین مسئله این است که دولت بر طراحی این پروتکل‌ها نظارت دارد و یا بخش خصوصی.

۲- استفاده از پروکسی به عنوان یک بازرس واسطه که خود در اعمال فیلترینگ و سانسور اطلاعات و در نهایت نقض اصل بیطرفی و نقض جهانشمولی اینترنت تأثیر گذار می‌باشد.

۳- از آنجائیکه تاکنون به ظاهر مکانیسم تعیین نام دامنه توسط بخش خصوصی انجام می‌گرفته و مشکل خاصی وجود نداشته اما با توجه به تعریف یونسکو در خصوص جهانی بودن اینترنت، لازم است که مشارکت چند جانبه دیگر دولتها و بازیگران بین‌المللی و خصوصی نیز لحاظ گردد.

۴- از دیگر مسائل مهم در جهانی شدن اینترنت به عنوان یک حق، نحوه دسترسی به منابع اطلاعاتی آن می‌باشد. به عنوان مثال دسترسی آسان، چندزبانه بودن محتوا، کیفیت محتوا، توانمند سازی کاربر و ملاحظات اخلاقی از جمله دغدغه‌های جامعه جهانی می‌باشد.

۵- یکی دیگر از مشکلات جهانی سازی اینترنت، مسائل ژئوپلیتیک منطقه‌ای و نحوه نظارت و کنترل دولت محلی بر نحوه استفاده از اینترنت و یا تقویت (یا پخش پارازیت بر) نقاط دسترسی می‌باشد.

بنابراین با توجه به چالش‌های به وجود آمده در بحث حاکمیت بر اینترنت و فضای سایبر در این مطالعه تلاش می‌شود تا با بررسی اصول کلیدی حاکمیت بر اینترنت، ذینفعان این چالش شناسایی شده و زمینه‌های شباهت، همپوشانی، اجماع، تفاوت‌ها و اختلاف نظرهای موجود را با

مقایسه منافع و مضرات هر کدام به نتیجه ای مطلوب برسیم. بنابراین سؤال این پژوهش بر این مبنا قرار گرفته که در حال حاضر نحوه مدیریت بر فضای سایبر در دو نظام حقوق بین‌المللی و نظام حقوقی ایران به چه صورت است؟

۲- مفهوم حاکمیت

حاکمیت موضوعی درباره شیوه تعامل دولت‌ها و دیگر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، شیوه ارتباط آن‌ها با شهروندان و شیوه گرفتن تصمیمات در جهانی پیچیده است (Folke, Hahn, Olsson & Norberg, 2005:442). دولت‌های مستقل می‌توانند روابط خارجی و امور داخلی خود را با اعمال حق حاکمیت، بر وفق تمایلات خود تنظیم کنند. هم‌چنین قدرت عالیه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در اختیار دولت است و هیچ نهاد اجتماعی دیگری از آن برخوردار نیست (مجتهدزاده و حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۴). حاکمیت ملی همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده و علی‌رغم تلاش‌هایی که در دوران معاصر برای ایجاد نوعی فدرالیسم فراملی انجام شده است، هنوز هم می‌توان گفت که این مفهوم در حقوق بین‌الملل تقریباً یک ابزار غیرقابل تسخیر و مورد تأکید فراوان ملت‌ها می‌باشد. صرف‌نظر از ایدئولوژی و جهان‌بینی که بر آن نظام و حکومت حاکم است موضوع امنیت و حاکمیت از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و حفظ آن با حفظ استقلال و تضعیف استقلال همواره موضع و موقعیت کشور را بین نظام‌های دیگر به دنبال دارد (زمانیان، ۱۳۹۰: ۳).

مفهوم حاکمیت با اقتدار حکومت، در اروپای قرون شانزدهم و هفدهم شکل گرفت و با نابودی نهادهای فئودالی به اوج خود رسید؛ زمانی که دولت‌های سرزمینی با دولت‌های ملی شکل گرفتند. در این باره، معاهده صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ نقطه عطف در تاریخ است. این معاهده سرآغاز کوششی شد که تا امروز ادامه دارد، تلاشی برای کشف روش‌هایی که بر اساس آن‌ها دولت‌های مستقل بتوانند حاکمیت خود را بر سرزمینشان اعمال کنند و منافع خویش را به گونه‌ای تأمین سازند که زیان‌بار به حال خودشان باشند و نه به حال جامعه بین‌المللی که عضوی از آن هستند (احمدی نیاز، ۱۳۸۵: ۲۱). طبق ضرب‌المثل برزیلی به نقل از "روبرتو داهاتا" حاکمیت برای دشمنان قانون، برای دوستان همه چیز است (Cax, 2008; 117)؛ بنابراین، در هر نظام سیاسی باید حدودی از قدرت مطلق برای تصمیم‌گیری نهایی وجود داشته باشد تا شماری از افراد با نهادهایی که برای تصمیم‌گیری صالح تشخیص داده شده‌اند، آن را در یک قلمرو جغرافیایی مشخص اعمال کنند و قادر به اجرای تصمیمات باشند. البته لازم به ذکر است که

"ژان بدن" نخستین نویسنده‌ای بود که اصطلاح حاکمیت را در معارف اروپایی و جهانی متداول کرد و آن را در شمار اجزاء ذاتی مفهوم جامعه سیاسی آورد. حاکمیت به نظر "بدن" عامل اصلی همبستگی و یگانگی جامعه سیاسی است و جامعه سیاسی بدون آن نمی‌تواند پایدار بماند.

۳- مفاهیم و ویژگی‌های فضای سایبر

نخستین کسی که واژه فضای سایبر را به کار برد، ویلیام گیتسون (William Gateson) نویسنده داستان‌های علمی-تخیلی، در کتاب نورومنسر (neuromancer) بود. فضای سایبر یا فضای سایبر در تعریف برخی از نویسندگان عبارت است از مجموعه‌ای از ارتباطات میان انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی، البته شاید بهتر باشد آن را چنین تعریف کنیم: "محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌های سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، به گونه‌ای زنده و مستقیم در آن روی می‌دهد، قید «واقعی»، مانع از این است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیرواقعی بودن آن است چرا که در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج (همچون مسئولیت) وجود دارند ضمن این که فضای سایبر در واقع یک محیط است که ارتباطات در آن انجام می‌شود؛ نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات گرچه ممکن است در همه حال برخط (online) نباشند، ولی زنده، واقعی و مستقیم است. از این رو تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می‌دهند (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۲: ۹۶).

محیط کاربردی و وسایل عملی واقعیت دهنده به فضای سایبر دربرگیرنده شبکه‌های خطوط الکترونیکی-کامپیوتری آنلاین است که فرهنگ ویژه‌ای را در ارتباطات ماورای فضای حقیقی سبب شده است. این پدیده ارتباطی، گونه بدیعی از یک سیستم اطلاعاتی-ارتباطی را واقعیت داده است که برخلاف تجربیات تاریخی پیشین در راستای سیستم‌های اطلاع‌رسانی، مفهوم عالم مجازی را در زندگی بشر در فضای حقیقی جنبه کاربردی انکارناپذیری داده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۷۹). در واقع فضای سایبری دربرگیرنده طیف وسیعی از دگرگونی‌های همه‌جانبه‌ای است که از مرز سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و قلمرو فرهنگ، علوم و سبک زندگی و خلیات جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از وجوه بارز این تغییرات، کارایی منابع نرم قدرت در شکل‌دهی به نوعی خودآگاهی سیاسی فارغ از چارچوب نظام ایدئولوژیک حاکم خواهد بود. این خودآگاهی نوین، خود را در وفاداری‌های ایدئولوژیک گذشته محصور نمی‌کند، چرا که هدف سیاست نرم‌افزاری ایجاد بدینی به ایدئولوژی مسلط است.

فضای سایبر کم‌رنگ کننده مرزهای میان واقعیت و مجازی، عمومیت و اختصاصی، مکان و بی‌مکان، طبیعی و تکنولوژیکی، ذهنی و جسمی، زندگی و مرگ و سرشت و فرهنگ، در اغلب سطوح است (Dodge & kitchen, 2001: 205). رایج شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش روزافزون این فناوری منجر به تشکیل جامعه اطلاعاتی شده که بشر را به عصر اطلاعات وارد کرده است برخی از ویژگی‌های فضای سایبر در عصر اطلاعات عبارت است از:

- جهانی و فرامرزی بودن؛
 - دستیابی آسان به آخرین اطلاعات؛
 - جذابیت و تنوع؛
 - آزادی اطلاعات و ارتباطات؛
 - پردازش‌ها به صورت الکترونیکی صورت می‌پذیرد؛
 - نهادهای الکترونیکی و سازمان‌های مجازی شکل می‌گیرند؛
 - مفهوم کسب و کار و شیوه زندگی تغییر می‌کند؛
 - مهارت‌ها و مشاغل جدید در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد می‌شود؛
 - تعامل واحدهای سیاسی و جوامع به نحو بارزی گسترش می‌یابد؛
 - نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی و مدیریت و سازمان‌دهی متحول می‌گردد؛
 - اطلاع‌رسانی از نقش کلیدی و ارزشمند برخوردار می‌شود؛
- بنابراین در قرن معاصر زیرساخت‌های حیاتی در زمینه‌های اقتصادی، مسائل اجتماعی فرهنگی و دفاعی و امنیت ملی کشورها به فناوری اطلاعات و ارتباطات وابستگی پیدا کرده است. برخی از این زیرساخت‌ها عبارت‌اند از: انرژی (نیروی برق، نفت و گاز)، حمل و نقل (راه‌آهن، هوایی و دریایی)، بانک‌داری، مخابرات، بهداشت عمومی، خدمات فوریتی، آب‌رسانی، صنایع دفاعی، تغذیه، کشاورزی، امور بازرگانی کالا و ...
- عالم نوپدید سایبر در حال بلعیدن عالم کنونی است و زیست‌جهان نوینی را بر پایه فناوری، شتاب و همگرایی در حال شکل دادن است که همه رفتارهای فردی و اجتماعی را در خود جای داده و بزرگ‌تر از عالم عادت شده کنونی است، زیرا هر مفهوم و هر پدیده‌ای در این عالم نوپدید دارای بطن‌های مختلف و متنوعی است که همه این تأثیرات به دلیل ویژگی‌های خاص فضای سایبر همچون؛ نامحسوس و نامرئی بودن، درازمدت و دیرپا بودن، برخورداری از عمق و چندبعدی عمل کردن بوده است.

"سن تسو" نویسنده "کتاب هنر جنگ" می گوید که: "یکصد پیروزی در یکصد جنگ توجیه کاردانی یک فرمانده نیست؛ منتهای هنرمندی یک فرمانده، واداشتن دشمن به اطاعت بدون خونریزی است". در فضای سایر برنامه‌ها نامحسوس و نرم است. سلاح دشمن در این نبرد ابزار رسانه‌ای، مصاحبه، سخنرانی، چاپ و انتشارهای به‌ظاهر رسمی و قانونی از قبیل تولید و نمایش فیلم، چاپ و انتشار کتب، شعر، نمایش و ... است و همه این‌ها در ظاهر فریبی چون ترویج هنر، آزادی بیان و قلم، اظهار عقیده و تبادل و در "استتار کامل" که تشخیص رد پای آن نامشخص می‌باشد. در ناتوی فرهنگی، دشمن سربازان خویش را از میان "خودی‌ها" برگزیده خویش را از زبان آن‌ها بیان داشته و نقشه‌های خود را با دست آن‌ها عملی می‌نماید. بنابراین دشمن و یا هر شخص مغرضی می‌تواند به صورت نامحسوس و از طریق فضای سایر بر افکار عمومی و نحوه نگرش و تفکر افراد حاضر در جامعه تأثیر گذار باشد. که این کارکرد در مسائل اخیر ایران همچون انتخابات اسفند ۹۸ و رعب و وحشت در خصوص ویروس کرونا قابل ردگیری و ارزیابی است.

کار فرهنگی به همان میزان که نتیجه و محصول خود را دیر از دست می‌دهد، اثری را که از خویشتن برجای می‌گذارد نیز دیرپا و ماندگار است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست برخلاف ناتوی نظامی که نتیجه عملکرد آن در کوتاه‌مدت روشن و هویدا می‌گردد. در ناتوی فرهنگی بذری را که دشمن در ضمیر و فکر افراد جامعه می‌کارد سال‌ها و بلکه نسل‌ها بعد آثار مخرب خودش را نمایان می‌سازد "ناتوی فرهنگی از آن برنامه‌هایی است که به تعبیر مقام معظم رهبری صدایش فردا درمی‌آید" (مجله ویستا، ۱۳۹۸) در فضای سایر دشمن از تمامی حربه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی بهره می‌گیرد. با به انزوا کشیدن کشورهای مورد هدف، بایکوت رسانه‌ای و خبری، محاصره اقتصادی و فشار مضاعف، جنگ رسانه‌ای تبلیغاتی علیه ارزش‌های آن، تلاش در جهت ایجاد یأس و ناامیدی و عدم خودباوری، پرورش روح حقارت و خودکم‌بینی و مخدوش کردن چهره فرهنگ است. اقدامی برنامه‌ریزی شده برخورداری از طرح و برنامه برای اجرا در فواصل زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت از مهم‌ترین شگردهای صاحبان تفکر در فضای سایر است.

۴- قدرت سایبری

راهبرد کشورهایی همچون آمریکا از زمان بوش، استفاده از قدرت سخت در جهت کسب مشروعیت در عرصه بین المللی بود گرچه این راهبرد در طول مدت هشت سال شکست خورد و با به قدرت رسیدن اوباما نگاه به قدرت معنا دیگری یافت، امروزه آمریکا با استفاده از قدرت نرم سعی در ایجاد متحدین جدید در جهان دارد. (عبداله و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۹۱) قدرت سایبری که یکی از منابع جدید قدرت است حوزه اعمال آن ممکن است، سخت و نیم سخت و یا نرم باشد. قدرت نرم به عنوان یکی از اشکال رایج، مهم، کم هزینه و در عین حال مؤثر قدرت، در روند اعمال سیاست های هر نظام سیاسی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. قدرت نرم توانایی دولت ها، سازمان ها و افراد برای رسیدن به اهداف خود از طریق متقاعد کردن دیگران می باشد (مقتدروهمکار، ۱۳۹۷: ۹۰) امروزه با توجه به افزایش روزافزون اطلاعات و فناوری اطلاعات سهولت در جابه جایی آن اهمیت قدرت سایبری نیز آشکار می گردد. به طوری که در آینده گمان می رود که یکی از تأثیرگذارترین و قوی ترین منابع قدرت به شمار آید. صاحب نظران قرن بیست و یکم را قرن "اینترنت و داده" نامیده اند و تأکید دارند از جمله حوزه هایی که در عصر داده ها و اطلاعات شاهد تغییر و تحولات شگرف خواهد بود، عرصه قدرت است که از "قدرت فیزیکی" به "قدرت سایبری" تغییر ماهیت خواهد داد و به گفته جوزف نای: "فضای سایبر کلید قدرت در قرن ۲۱ خواهد بود". انقلاب اطلاعاتی عصر حاضر که گاه آن را "انقلاب صنعتی سوم" می نامند، مبتنی بر پیشرفت های سریع رایانه ای، ارتباطی و نرم افزاری است که به نوبه خود کاهش شگرف هزینه های تولید، فرآوری، انتقال و جستجوی اطلاعاتی را در پی داشته اند (شهبا، ۱۳۹۶: ۹). در اینجا می توان به برخی موارد استفاده از فضای سایبر توسط حکومت ها اشاره کرد:

- کنترل بر ابزار تولید اطلاعات نظیر نرم افزارهای پردازش کننده
- کنترل دسترسی بر فضای مجازی به عنوان فضای جریان اطلاعات و شاهراه های اطلاعاتی
- کسب اطلاع و بهره گیری از محتوای پیام ها و داده های اطلاعاتی
- مرکز و ذخیره سازی اطلاعات کاربران در مقیاس وسیع و از کشورهای مختلف
- کنترل مدیریت فنی و تخصصی شبکه جهانی اینترنت

۵- تأثیر فضای سایبر بر حاکمیت

در گذشته حکومت‌ها قلمروی سرزمینی کشورشان عرصه "حاکمیت" بود ولی امروزه با ظهور فضای سایبر، حکومت‌ها باید بر این فضا هم "حاکمیت" داشته باشند. با ورود اینترنت به عرصه ارتباطات و افرادی که می‌توانند وارد دنیای مجازی دیگران شوند و نیز عبور هرگونه اطلاعات از مرز کشورها، روزبه‌روز "حاکمیت کشورها با مشکل مواجه می‌شود. تغییر بازیگران در اعمال حکومتی که از منظر فرهنگ و سیاست جهانی قابل بررسی است. در گذشته بازیگران عرصه بین‌المللی فقط حکومت‌ها بودند، اما امروزه بازیگران غیردولتی هم به حکومت اضافه شده‌اند. در "عرصه فرهنگی"، گروه‌های اجتماعی مجازی ایجاد شده که تبدیل به بازیگران مهمی شده‌اند و در "عرصه سیاست" نیز مردم به اشکال مختلف در فضای سایبر به نیروی مهمی در بازیگری سیاست تبدیل شده‌اند. یکی از مصداق‌های سنتی حاکمیت ملی، توانایی و حق دولت‌ها برای انتشار پول، ارز، اعتبار، تعیین قیمت، تصدی بخش عمومی، توزیع درآمد و... بوده است؛ بنابراین یکی از کارکردهای حکومت از دیرباز "انجام و نظارت بر معاملات تجاری" بوده است؛ و از این طریق "حاکمیت اقتصادی خود را اعمال می‌کرده است؛ اما امروزه با توجه به توسعه شبکه‌های الکترونیک و تجارت الکترونیک، از توان کنترلی حکومت کاسته شده و "حاکمیت اقتصادی" حکومت‌ها محدود شده است؛ زیرا فضای سایبر یک فضای باز بوده و دیگر مرز منع‌کننده‌ای بین کاربران وجود ندارد. همچنین برخلاف تجارت به شکل سنتی، اعمال مالیات بر تجارت در فضای سایبر بسیار دشوار و گاهی غیرممکن است و تابع قواعد و مقررات بین‌المللی است نه قوانین ملی حکومت‌ها. البته باید توجه داشت که با تجارت الکترونیک، حکومت تمام توان کنترل خود را بر تبادل خدمات و کالاها در عرض مرزهای ملی از دست نمی‌دهد؛ و برای تجارت خدمات و کالاها فیزیکی، حکومت هنوز قادر به اعمال حاکمیت خود است.

۶- چالش‌های وجودی فضای سایبر در رابطه با حاکمیت

آسیب‌های فضای سایبر به‌عنوان ابزار جهانی شدن و جزئی از پدیده‌های ناامنی نرم‌افزاری، تاکنون نتوانسته‌اند ارزش‌ها و باورهای بنیادین عصر جهانی شدن که منجر به تغییر شکل جدید اجتماعی خواهد شد در نظام جمهوری اسلامی غالب کنند؛ ولی زنگ خطر ناامن بودن ارزش‌های ایرانی-اسلامی در عصر جهانی شدن را به صدا درآورده‌اند که این خود مقدمه ناامنی هستی‌شناختی خواهد بود (باقری، ۱۳۹۷: ۲). دولت‌ها نمی‌توانند بر فضای سایبر حاکمیت تام

داشته باشند زیرا فراگیری گسترده فضای سایبر و نقش آفرینی بازیگران غیردولتی این امکان را از دولت‌ها گرفته است (Everard, 2000: 44). تهدیدهای نرم که از عینیت و فوریت کمتری برخوردارند، نیز موجب نگرانی‌های امنیتی یا به تعبیر "بوزان"، تهدیدهای وجودی در حوزه‌های مختلف امنیت ملی به‌شمار می‌آیند. فضای سایبر دربرگیرنده مجموعه‌ای وسیع از داده‌ها و اطلاعات است که امروزه فضای فعالیت را برای دسته‌های مختلف بازیگران در این عرصه فراهم ساخته است. همان‌گونه که در دنیای واقعی، تهدیدها، فرصت‌ها و چالش‌هایی برای گروه‌های مختلف انسانی وجود دارد، در فضای سایبر نیز این دسته از تهدیدها برای حاکمیت وجود دارد. در این چارچوب، تهدیدات وجودی ناشی از کاربری الگوی قدرت نرم توسط کشورهایی همچون آمریکا در سه حوزه امنیتی؛ امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی قابل بررسی است:

۱-۶- امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به مفهوم ثبات ساختاری دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت‌آور و تابع میزان انسجام و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی سنتی در بین ملت‌هاست. توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به این ویژگی‌های سیاسی، فرهنگی ضامن امنیت ملی به‌شمار می‌آید. این تداوم، بخشی بر اساس برداشت سنتی از امنیت، با سرکوب داخلی یا دفاع نظامی خارجی قابل حصول است، اما با توجه به تغییر نگرش‌ها در برداشت سنتی از امنیت، این مسئله با مشروعیت و کارآمدی سیاسی و اقتصادی به‌عنوان رویکرد نرم‌افزارانه امنیت ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده است. از این‌رو، سیاست نرم‌افزارگرایانه آمریکا در خاورمیانه در قالب اشاعه و گسترش دموکراسی بیش از هر چیز امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را که بر اساس سازمان یا نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش به حکومت و دولت هویت می‌یابد، هدف قرار داده است (سلیمانی‌پورلک، ۱۳۹۲: ۲۶۹). مواردی که منجر به تهدید امنیت سیاسی در فضای سایبر می‌گردد عبارت‌اند از:

۱-۶-۱- بی‌ثبات‌سازی ساختاری و نهادی

به‌طور تقریبی موضع لیبرالیستی بر آن است که حیات انسان‌ها دارای ابعادی است، شامل انواعی از اعمالی که مردم انجام می‌دهند که باید از مداخله اجباری دیگران و بالاتر از همه، از مداخله دولت مصون باشد. از این دیدگاه، حیطه اقتدار دولت محدود است و در سعادت فردی و خیر افراد دخالتی ندارد، بلکه صرفاً در خدمت رفاه و امنیت جامعه و دفاع از حریم مالکیت

خصوصی و آزادی‌های فردی است (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۲: ۲۶۹)؛ بنابراین، با به چالش کشیده شدن ارکان اساسی و ماهوی ساختار و نهادهای سیاسی حکومتی، جمهوری اسلامی با هدف تغییر آن، بی‌ثباتی ساختاری گزینه‌ای متصور محسوب می‌شود. حتی اگر این چالش به تغییر در کوتاه‌مدت منجر نشود، صرف بروز آن با توجه به ماهیت حاکمیت در جمهوری اسلامی تهدیدی وجودی به شمار می‌آید و ضرایب امنیت سیاسی را متاثر خواهد کرد. در الگوی تلفیقی مدنظر آمریکا، با رخنه در اصول و مبانی جامعه دینی و حکومت دینی، ماهیت حکومت بر سکولاریسم مبتنی خواهد شد. این در حالی است که ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، ثبات و قدرت خود را بر پایه‌های ایدئولوژی بنا کرده است. هرگونه خللی در مبانی ایدئولوژیک، مشروعیت این ساختار و ثبات آن را به چالش می‌کشد. فضای سایر با توجه به ایده‌ها و مضامین ارزشی، ایدئولوژی‌های معارض را به رویارویی فرا می‌خواند.

۲-۱-۶- بی‌ثبات‌سازی ایده و معنا

ایده و معنا که با استناد به آموزه‌های مذهبی یا غیرمذهبی به‌عنوان ساختار معرفتی به دولت‌ها تعیین ویژه‌ای می‌بخشد، همواره ممکن است متغیرهای مختلف آن را به چالش بکشند. به‌ویژه آن‌که عینی‌ترین شاخص جهان معاصر را "ایدئولوژیک شدن" آن شکل می‌دهد. آن هم درست در دوره‌ای که گمان می‌رفت ایدئولوژی‌ها عمرشان به سر رسیده و با فروپاشی شوروی سابق نیز این فرایند به میزان زیادی تایید شده و تحقق یافته است. تلاش قدرت‌های گوناگون برای تعریف نظم جهانی، حکایت از آن دارد که آن‌ها به‌شدت ایدئولوژیک هستند و "نظمی ایدئولوژیک" را برای آینده جهان در دستور کار خود قرار داده‌اند. بر این اساس و با عنایت به الگوهای پیشنهادی اندیشمندان غربی در این زمینه و تحلیل مبادی نظری و نتایج نهایی آن‌ها، می‌توان چنین استنتاج کرد که نظم جهانی از ناحیه تعارض گرایش‌های ایدئولوژیک مختلف، تأثیر بسیاری خواهد پذیرفت و به یک معنا نظام بین‌الملل متناسب با ایدئولوژی‌ای که بتواند از این منازعه سرافراز بیرون آید، تعریف خواهد شد و شکل خواهد گرفت. الگوهای پیشنهادی در این زمینه عبارت‌اند از:

- الگوی هژمونی لیبرال دموکراسی؛ فوکویاما

- الگوی برتری لیبرال دموکراسی؛ هانتینگتون

- الگوی جهان‌شمولی لیبرال دموکراسی؛ هابرماس

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که "عوامل ایدئولوژیک" موثرترین مؤلفه در شکل‌دهی نظم آینده را شامل می‌شوند. در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران با مهم‌ترین چالش فراروی امنیت سیاسی خود یعنی "ایدئولوژی" روبه‌رو است. به‌طور کلی گفتمان ایدئولوژیک حاکم بر بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی در پی ایجاد اتباعی وفادار به اقتدارهای مذهبی بوده است. وفاداری، اعتماد و ارادت شخصی به رهبران و ارزش‌های مقبول و هویتی همگون اساس کردارهای سیاسی این گفتمان را تشکیل می‌دهد. طبعاً در چنین گفتمانی جایی برای فردگرایی، نقد و انتقاد، کثرت‌گرایی و شیوه زندگی دموکراتیک، پذیرش هنجارهای جهانی وجود ندارد (سلیمانی‌پور لک، ۱۳۹۲: ۲۷۷). در شرایط کنونی، مهم‌ترین عامل خارجی را می‌توان فضای سایبر در دست کشورهای غربی در به‌کارگیری قدرت نرم ذکر کرد که در جهت اشاعه لیبرال-دموکراسی، به‌طوری توانسته است به تقویت عوامل درونی پردازد. آثار به‌کارگیری فضای سایبر به‌عنوان منابع قدرت نرم در بُعد سیاسی را می‌توان در به‌چالش کشیدن مبانی مشروعیت‌بخش جمهوری اسلامی، برانگیختن بحران مشروعیت و در نهایت بحران سلطه و استیلا به انتظار نشست؛ بنابراین با توجه به این که نگرش ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، نگرشی تمامیت‌گرا، تقلیدگرا و مبتنی بر سه رکن عمده سنت‌گرایی، توده‌گرایی اجتماعی و اقتدارگرایی کاریزماتیک بر محور روحانیت و ولایت فقیه است. این ویژگی‌ها در تقابل با مضامین برآمده از قدرت نرم در فضای سایبر به‌شمار آید که بستر ساز چالش‌های امنیتی فراوانی در ابعاد سیاسی برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

نتیجه آن که آثار به‌کارگیری منابع نرم‌افزاری قدرت، جمهوری اسلامی را به دلیل عدم تنوع ساختاری و از دست دادن کارکرد ایدئولوژیک، از پاسخگویی به جامعه و مطالبات آن با مانع و چالش روبه‌رو می‌کند و به بزرگ شدن جامعه در مقابل جامعه کوچکی منجر می‌شود که پذیرای آموزه‌های ایدئولوژیک بود. در این شرایط است که بدبینی فزاینده‌ای نسبت به ایدئولوژی حاکم گزینه‌ای متصور خواهد بود. از این‌رو، ایجاد نوعی گسست ایدئولوژیک در سطح داخلی از اهداف تعریف شده سیاست نرم‌افزاری آمریکاست. به‌کارگیری منابع قدرت نرم در فضای سایبر در چنین بستری در قالب ترویج مضامین و آموزه‌های لیبرال دموکراسی در پی تشدید و تعمیق گسست ایدئولوژیک در سطح ملت-دولت است.

۲-۶- امنیت اقتصادی

سازمان‌های اقتصادی بخش مهمی از زیرساخت‌های مهم کشور هستند. از این رو لازم است این تشکیلات سیاست‌ها و برنامه‌های امنیت اطلاعاتی خود را برای رسیدن به امنیت لازم برنامه‌ریزی کنند (The white house, 2003: 7). امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به معنای توانایی تأمین نیازهای جامعه، رفاه اقتصادی و توسعه صنعتی، فناوری، اقتصادی و تجاری از طریق حفظ اصول سازمان دهنده اقتصاد ملی و دسترسی به منابع سرمایه و بازار جهانی، به چند صورت ممکن است به واسطه سیاست نرم‌افزاری آمریکا با چالش روبرو شود. بر اساس ماهیت قدرت اقتصادی - مستقل یا ابزاری - و عوامل تهدیدزای کارگزاری یا ساختاری، طیفی از تهدیدات اقتصادی شکل می‌گیرد که به طور مستقیم بخش اقتصادی امنیت ملی را با چالش روبرو می‌کند و بدین طریق سایر ابعاد امنیت ملی، خصوصاً ابعاد سیاسی را به مخاطره می‌افکند (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۲: ۲۸۲). چالش‌های اقتصادی، بیشترین تهدیدات امنیتی وجودی را در بُعد سیاسی امنیت ملی به بار می‌آورد. بدون تردید، عدم توانایی دولت در تأمین نیازها و رفاه اقتصادی مردم، موجب نارضایتی ملت و به تبع آن کاهش مشروعیت و مقبولیت آن می‌شود. تنزل روحیه و وحدت ملی نیز یکی دیگر از تبعات امنیتی ناامنی اقتصادی و ناکارآمدی حکومت در دستیابی به توسعه اقتصادی است. با توجه به این که فضای سایر تأثیرگذاری مثبتی بر افکار و اذهان جامعه به منظور ایجاد شکاف در رابطه ملت و دولت پیگیری می‌شود. همان گونه که قبلاً اشاره شد، سیاست‌های جهت‌دار در فضای سایر، اعمال فشارهای اقتصادی با به چالش کشیدن ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازمندی‌های جامعه، موجب بروز گسست در تعامل ملت-دولت می‌شود و تجلیات نرم‌افزاری را در تهدید امنیت ملی-امنیت سیاسی کشور به نمایش می‌گذارد.

۳-۶- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، فراز دیگری از اثرات سیاست نرم‌افزاری در فضای سایر که معطوف به جامعه ایران است که فرایند تغییر آن را متصور می‌کند و تبعات سیاسی نیز خواهد داشت "به طور کلی تغییر جوامع هنگامی رخ می‌دهد که اعضای آن دچار تشتت می‌شوند و کل گروه‌ها از تقسیم کار سیاسی موجود حمایت نمی‌کنند" (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۲: ۲۸۷). بر این اساس، سیاست نرم‌افزاری آمریکا در خاورمیانه، با توجه به ماهیت و اهداف آن با تغییر هنجارها، امنیت اجتماعی و هویتی جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های جدی روبرو خواهد کرد. چرا که اصل سیاست‌های مربوطه را مبارزه با افکار، عقاید و باورهای اسلامی تشکیل می‌دهد و این در

حالی است که با توجه به ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران، صیانت و پاسداری از آموزه‌های مذهبی، محور اصلی امنیت اجتماعی و هویتی را تشکیل می‌دهد. از منظر آسیب-شناسی امنیت اجتماعی، شاید بتوان مهم‌ترین "آسیب‌پذیری" و "تهدیدات" حوزه ارزشی و هنجارهای جامعه را در چند محور زیر خلاصه کرد:

۱-۳-۶- بی‌ثبات‌سازی ساختارهای هویتی

فضای سایبر، از گذشته، محلی برای هزاران نفر از گروه‌های مردمی بوده که همدیگر را ملاقات و اطلاعات‌شان را به اشتراک می‌گذارند. برخی از این گروه‌ها هم بزرگ و هم توسعه یافته هستند و تنها انتقادی که بر آن‌ها وارد می‌کنند، این است که جامعه واقعی نیستند. شکل-گیری چنین جوامعی با این کیفیت، دگرگون‌کننده روابط فرهنگی در جوامع سنتی است (Bell, 2001: 97). این گروه از چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی بر رقابت افقی آن دسته از تهدیداتی مبتنی است که یکپارچگی و وحدت جامعه ایران را در معرض تجزیه و فروپاشی قرار نمی‌دهند، بلکه منابع و عناصر هویتی آن را که منشاء آن فرهنگ ملی است، دست‌خوش تغییر و دگرگونی ناخواسته می‌کند (سلیمانی‌پورلک، ۱۳۹۲: ۲۸۸). برخی عواملی که موجب ثبات یا تغییر در فرهنگ ملی می‌شوند. سنت‌ها، ارزش‌ها، باورها، میراث فرهنگی، تاریخ اجتماعی، مذهب؛ به-ویژه در کشورهایی مانند ایران که به مبانی و زیرساخت‌های ایدئولوژیک-فرهنگی معتقد هستند باعث ثبات و تداوم امنیت فرهنگی می‌شوند. زبان، ادبیات، هنر و... نیز از عوامل تغییر منفی امنیت فرهنگی است که باید در شناسایی تهدیدها به آن توجه کرد.

۲-۳-۶- اشاعه و انتشار ارزش‌ها و هنجارهای جدید

اشاعه و انتشار، فرآیندی است که طی آن یک پدیده یا یک رفتار از یک عضو گروه به بقیه منتقل می‌شود یا به آن‌ها سرایت می‌کند. در سالیان اخیر، نه تنها به فرآیند این اشاعه و انتشار خلل جدی وارد و از استعداد و توان اشاعه و انتشار ارزشی گروه‌های مذکور به شدت کاسته شده است، بلکه به نظر می‌رسد قشرهای مختلفی از جامعه به‌ویژه قشر جوان در معرض پیام‌های گروه-های دیگر قرار گرفته‌اند (سلیمانی‌پورلک، ۱۳۹۲: ۲۹۰). در واقع، نسل جوان در ایران با توجه به تأثیرپذیری از فضای سایبر در گیر گسترش بحران هویت است که با توجه به سیاست‌گذاری‌های غیرمتوازن به زیان ایرانی بودن و هویت ملی ایران در مقابل هویت مذهبی و ایدئولوژیک ردیابی کرد. عدم توجه کافی به عنصر ملی هویت ایرانی در ابعاد تاریخی، فرهنگی و سیاسی آن در نظام آموزشی و رسانه‌های گروهی رسمی باعث می‌شود که نسل جدید دچار خلاء هویتی شده و در

فضای سایر به جستجوی آن پردازد که این مورد باعث می شود تحت تأثیر این فضا نسل جدید نسبت به تاریخ و میراث سیاسی و فرهنگی خود بیگانه شود.

۳-۳-۶- چند ارزشی شدن (تکثر ارزشی) فضای عمومی جامعه

فضای عمومی جامعه بعد از انقلاب، به تدریج به یک فضای چند ارزشی (ارزش های سنتی، مدرن ایرانی اسلامی، دینی، عرفی، غربی و... تبدیل می شود. در این فرایند انسان ها کوشش می کنند به نسبت پیوند گروهی خود و میزان فشار هنجاری و هم شکلی که از جانب آن گروه احساس می کنند، پدیده های جدید ارزشی را در نظام رفتاری خود تا آن حد که مغایر با ارزش ها و هنجارهای دیگر نباشد، جاسازی کند و با شرایط خود تطبیق دهند (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۲: ۲۹۰). این فرآیند گاه در چهره "تضاد ارزشی - هنجاری" بروز می یابد که زمینه این تضاد را فضای سایر مهیا می سازد. این تضاد در سطح فردی خود را به صورت یک تعارض روانی ظاهر می کند و در سطح کل جامعه به تضاد هنجاری و سپس تضاد ارزشی تبدیل می شود. تضاد ارزش ها در واقع یک مرحله از فرایند تغییر ارزش هاست؛ یعنی وقتی در جامعه یک نظام ارزشی وجود دارد و جامعه در تعادل نسبی به سر می برد و بعد یک نظام ارزشی دیگر و متضاد وارد جامعه می شود و با هم در جدال هستند. اگر در این جدال، یک نظام ارزشی موفق شود مرحله تضاد ارزشی خیلی به درازا نخواهد کشید.

۴-۳-۶- دوگانگی و ناهمگرایی فرهنگ رسمی و غیررسمی

یکی از تغییرات جامعه ایرانی، شکافی است که در حال رخ دادن است، جدایی فزاینده میان دو ساحت فرهنگ رسمی و غیررسمی و تبدیل شدن آن به یک مشکل امنیتی در آینده نزدیک است. فرهنگ رسمی به عقاید، ارزش ها و هنجارهایی معطوف است که از نظر دولت مجاز است و تشویق و ترویج می شود. در مقابل، فرهنگ غیررسمی ناظر بر ارزش ها، عقاید و هنجارهایی است که به صورت خودجوش و در بستر فضای سایر سر برآورده و پناهگاه کسانی است که می خواهند خارج از چارچوب های فرهنگی و ایدئولوژیک حکومت ها، باورها، ارزش ها و قضاوت های خاص خود را داشته باشند. گروه های تابع دارای ویژگی است که در ظاهر با طبقه حاکم هماهنگ است ولی در باطن متفاوت و متضاد با آن است.

یکی از مهمترین مزیت های اینترنت و فضای سایر را می توان تسهیل و تسریع فوق العاده ارتباطات بشری، چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی با ایجاد شبکه های ارتباطی اجتماعی دانست و به موازات آن در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و حاکمیتی نیز تأثیر گذار بوده است.

شاید کمک اینترنت و فضای سایبر به جهانی شدن در ابعاد منفی به دلیل اداره تک‌جانبه آن از سوی برخی قدرت‌های خاص، متناسب با مزاج آنان بوده است و به این دلیل بحث از "حاکمیت اینترنت" و نحوه اداره و مدیریت آن یکی از دغدغه‌های کارشناسان امر در سطح جهان بوده است تا بتوانند اینترنت را از زیر بار حاکمیت یک یا چند دولت خاص بیرون آورده و تحت اداره حقوق بین‌الملل در آورند. این موضوع بیش از اینکه خواسته کشورهای پیشرفته باشد، خواسته کشورهای در حال توسعه بوده و هست. البته نیل به این هدف امر دشواری است، چرا که هیچ قاعده، اصول کلی، رویه قضایی و حتی دکترینی نیز وجود ندارد تا در تدوین قوانین مربوط به بین‌المللی کردن حاکمیت بر اینترنت مورد استفاده واقع شود. به همین دلیل یکی از مهمترین مباحثی که امروزه در خصوص فضای سایبر مطرح است، مدیریت یا به عبارتی حاکمیت بر این پدیده نوین بوده و پرسشی که اینجا وجود دارد این است که صاحب این فضا کیست و چگونه اداره می‌شود؟

برای پاسخ به این سؤالات لازم است یادآوری گردد که امروزه تمام داشته‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و فناوری به نوعی به این فضا منتقل گردیده‌اند و دلیل اصلی آن نیز ساختار توزیعی این فضا بوده و لذا از هر جای جهان قابل کنترل و مدیریت بوده و بنابراین ضرورت توجه به مدیریت این فضای بی‌انتها هم از بُعد فنی و هم از بُعد حقوقی بر همگان آشکار است.

دلیل بی‌توجهی به این امر مهم، توسعه تدریجی این فضا در اواخر قرن قبل و توسعه تصاعدی این فضا در دو دهه اخیر بوده است. اما شاید حساسیت کشورها در دو دهه گذشته، بیشتر به دلیل مخاطرات این فضا برای زیرساخت‌های حیاتی آنها بوده و دلیل دیگر، ادعای مدیریت این فضا توسط کشورهای توسعه یافته بوده که خود عاملی برای قدرت‌نمایی و ایجاد فشارهای سیاسی بر کشورهای دیگر بوده است. لذا اکثر این کشورهای پیشرفته و کشورهای درگیر در خطرات امنیتی سایبری بر آن شده‌اند تا مدیریت این فضا را به دست گرفته و بنابراین لازم است تمام زوایای پدیده‌ای به این حیاتی را با دقت شناسایی نموده و نحوه مدیریت بر آن را ضابطه‌مند نمایند.

یکی از تعاریفی که برای حاکمیت بر اینترنت و اطلاعات ارائه شده، تعریفی است که در فرهنگ توصیفی کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه گردیده است: "اعمال مهارت‌مندانه کنترل بر فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، ذخیره، ایمنی، بازیابی و اشاعه منابع اطلاعاتی که برای انجام موفقیت

آمیز عملیات در یک نهاد یا سازمان ضروری است و مدیریت رکوردها و زیرساختار فنی را دربر می گیرد". (حاجی زین العابدینی، ۱۳۸۷: ۱۸)

هرچند که این تعریف مربوط به علوم کتابداری می باشد اما با محور قراردادن مدیریت اطلاعات، می توان فضای اینترنت را هم به عنوان یک سازمان مشابه با کتابخانه در نظر گرفت و از این تعریف استفاده کرد. چراکه هم در اینترنت و هم در کتابخانه ماده خام و اولیه آنها، "اطلاعات" می باشد، هرچند که اینترنت الگویی از یک دنیای مجازی و اشتراکی و غیر متمرکز می باشد.

نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد این است که حاکمیت بر فضای مجازی و اینترنت به وجود یا عدم وجود این فضا بستگی دارد. بنابراین کشورهایی که زیرساخت های اصلی این فضا را تشکیل داده اند مدعی حاکمیت بر این فضا می باشند، برخی نیز معتقدند که این فضا یک میراث مشترک بشری می باشد و هیچکس حق حاکمیت انحصاری بر آن را ندارد. البته حاکمیت بر اینترنت و فضای سایر چیزی جز هماهنگی فنی برای اطمینان از تعامل پذیری بخش های مختلف نیست اما به هر حال این هماهنگی، نظارت بر منابع و استانداردها و جلوگیری از هرج و مرج را با خود به همراه داشته، و از آنجایی که هر نوع حاکمیتی پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت لذا حاکمیت بر اینترنت نیز پیامدهایی مثبت یا منفی برای حاکمیت ملی دربر خواهد داشت.

همان طور که در مباحث قبل مطرح گردید، لزوم ایجاد یک حاکمیت بر فضای سایر، یک نیاز بدیهی و مبرم می باشد اما نکته مبهم در بخش قبل این بود که چه کسی یا نهادی متولی حاکمیت بر فضای سایر می باشد. از آنجایی که متولیان اصلی و اولیه این فضا کشورهای غربی و به خصوص شرکت های آمریکایی بوده اند لذا هم اکنون نیز این شرکت ها؛ اگر نگوییم حاکمیت می کنند؛ مدیریت این فضا را برعهده دارند اما ادعای این مدیریت باعث تنش هایی در سطح بین المللی گردیده است که این تنش ها خود زمینه نگارش مقاله هایی در این باب و برگزاری همایش هایی همچون اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (ژنو ۲۰۰۳) و (تونس ۲۰۰۵) گردیده است.

حال این سؤال پیش می آید که چه گروه، نهاد یا سازمانی حاکمیت این فضا را برعهده خواهد گرفت؟ در ادامه، پاسخ نهایی به این پرسش و چاره حل این چالش، در دو نظام حقوقی بین المللی و داخلی بررسی می گردد.

۴-۶- حاکمیت و قانونگذاری بر فضای سایبر در نظام حقوقی ایران

درخصوص فضای سایبر دو راه حل کلی جهت حاکمیت بر این فضا وجود دارد، قانونگذاری ملی و قانونگذاری بین‌المللی.

در روش قانونگذاری ملی، اصولاً دولت‌ها نسبت به تدوین قوانین مرتبط با جرم‌انگاری در فضای سایبر اقدام می‌کنند که با توجه به ماهیت جهانی فضای سایبر، نمی‌توان با اطمینان خاطر به این عمل اقدام کرد، ضمن اینکه این عمل می‌تواند موجب تعارض قوانین نیز گردد، چرا که برای عمل قانونگذاری لازم است که مبانی صلاحیت نیز رعایت شود که این مهم در قانونگذاری ملی با مشکلاتی روبرو است. به عنوان مثال صلاحیت سرزمینی در فضای سایبر با چالش عدم تعیین دقیق مرزها مواجه است و یا درخصوص صلاحیت شخصی می‌توان گفت که احراز تابعیت مجرم یا بزه‌دیده نیز از چالش‌های فراروی اعمال این نوع صلاحیت است. (ضیایی و همکار، ۱۳۹۶: ۲۳۵) اما شاید بتوان همانند مسائلی همچون دزدی دریایی به صلاحیت جهانی استناد کرده و مسائل فضای سایبر را از طریق اعمال صلاحیت جهانی حل کرد که این خود مستلزم ایجاد عرف جدید و یا تدوین معاهده‌ای بین‌المللی در این خصوص است. بنابراین در ادامه به رویکرد نظام حقوقی بین‌المللی و نظام حقوقی ایران می‌پردازیم.

رویکرد ایران در حیطه مدیریت داخلی اینترنت، مبتنی بر قانونگذاری ملی است. پیرو ابلاغ «سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای» از سوی مقام رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای» را در سال ۱۳۸۰ تصویب کرد. طبق این قانون به موازات حق دسترسی آزاد به اطلاعات، بر رعایت حقوق داخلی در موضوعات اجتماعی، فرهنگی و فنی کشور تأکید شد. مقررات پراکنده دیگری مانند آیین نامه نحوه اخذ مجوز و ضوابط فنی نقطه تماس بین‌المللی، آیین نامه واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی و اینترنت "رسا" (ISP)، مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در سال ۱۳۸۴، قوانین پنج ساله توسعه و قانون تجارت الکترونیک نیز وجود دارد، لیکن نخستین قانون جامع و متمرکز در ایران، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قوانین اصلاحی آن، مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است. (ضیایی و همکار، ۱۳۹۶: ۲۴۱)

اگرچه رویکرد قوانین داخلی ایران بر روش قانونگذاری ملی تکیه دارد، نگرش انتقادی ایران به نحوه مدیریت زیرساخت‌های سایبری در سازمان اینترنتی، انتصاب اسامی و کدهای رقمی (آیکان) مبین پذیرش روش بین‌المللی در این عرصه از سوی ایران است. رأی مثبت ایران به سند

اصلاحی اتحادیه بین‌المللی مخابرات در سال ۲۰۱۲ نیز بیانگر حمایت از رویکرد بین‌المللی است. امروزه طرح شبکه ملی اطلاعات و مجموعه قوانین حاکم بر فضای سایبر در ایران، نشان دهنده رویکرد ملی ایران به قانونگذاری در فضای سایبر است. با این حال، اعمال روش قانونگذاری ملی در قوانین داخلی و پذیرش روش بین‌المللی در مدیریت آینده این فضا حاکی از تمایل ایران به اعمال روش مختلط در قانونگذاری در این فضا است. با توجه به اینکه امروزه رویکرد اصلی ایران، قانونگذاری ملی در عرصه فضای سایبر است، باید شیوه‌های قانونگذاری ایران بررسی شود. این قانونگذاری با اتکا بر اقسام صلاحیت، شامل صلاحیت سرزمینی، شخصی، واقعی و جهانی امکان پذیر است.

ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ و قوانین مرتبط با فضای سایبر، از جمله قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و مقررات اصلاحی آن، مندرج در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصل را بر صلاحیت سرزمینی قرار داده‌اند. تقریباً در تمام مواد قانون جرایم رایانه‌ای و مواد مرتبط در قانون آیین دادرسی کیفری، عبارت «هرکس» بدون توجه به تابعیت مرتکب به کار رفته است. هرچند معیار صلاحیت سرزمینی در جرایم گوناگون سایبری متفاوت است، معیار صلاحیت سرزمینی در ماده ۱ (دسترسی غیرمجاز) ماده ۲ (شنود غیرمجاز) و ماده ۳ (جاسوسی رایانه‌ای) قانون جرایم رایانه‌ای، معیار وقوع «سامانه‌های رایانه‌ای» در قلمرو ایران است. معیار صلاحیت سرزمینی در مواد ۶ و ۷ قانون جرایم رایانه‌ای نیز وقوع «داده‌های رایانه‌ای» در قلمرو ایران است، بند (الف) ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، معیار دیگری اضافه می‌کند و «ذخیره اطلاعات» در قلمرو ایران را نیز مشمول صلاحیت سرزمینی ایران قرار می‌دهد. به علاوه بند (ب) این ماده، تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (IR) را در حکم خاک ایران قلمداد کرده و جرایم ارتكابی در این تارنها را به مانند جرایم ارتكابی در قلمرو ایران می‌داند. (ضیایی و همکار، ۱۳۹۶:۲۳۷)

در خصوص صلاحیت جهانی، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، جرایمی را که طبق عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی تحت صلاحیت جهانی قرار گرفته در صلاحیت تمامی کشورها و از جمله ایران می‌داند. در قوانین ایران در این خصوص صراحتی وجود ندارد. با این حال، جرایم موضوع بند (ت) ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری راجع به جرایم رایانه‌ای علیه اطفال کمتر از ۱۸ سال می‌تواند تحت شمول صلاحیت جهانی ایران قرار گیرد. بنابراین قوانین ایران در اغلب موارد،

به خصوص موضوعات مرتبط با سامانه‌ها، داده‌ها و تارنماهای اینترنتی با تعیین صلاحیت بر مبنای مکان داده‌ها، صلاحیت سرزمینی را پذیرفته است. این قوانین، صلاحیت شخصی را درباره جرایم علیه اشخاص، صلاحیت واقعی را راجع به سامانه‌ها و تارنماهای حکومتی و صلاحیت جهانی را صرفاً درخصوص سوء استفاده از اطفال شناسایی کرده است. لذا رویکرد ایران در صلاحیت قانونگذاری در فضای سایبر، در بردارنده طیف متنوعی از صلاحیت‌های قانونگذاری سرزمینی، شخصی، واقعی و جهانی است؛ هرچند در عرصه منطقه‌ای با نظر به عضویت ایران در سازمان همکاری‌های اسلامی می‌توان یکسان سازی قوانین ملی در سطح منطقه را پیشنهاد داد. این روش در گذشته در اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس نیز تجربه شده است. این امر با توجه به دیدگاه مشترک کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به برخی مقولات فضای سایبر، همچون هرزه‌نگاری و قلمرو آزادی بیان در حوزه مذهب، ممکن الحصول خواهد بود. (ضیایی و همکار، ۱۳۹۶: ۲۴۶)

۶-۵- حاکمیت بر فضای سایبر از منظر حقوق بین الملل

با توجه به چالش‌های فرا روی حاکمیت بر فضای سایبر در سطح داخلی و بین المللی، ماحصل این گفتگوها و نظریه پردازی‌ها درسه مقوله و پیشنهاد قرار می‌گیرند:

۶-۵-۱- حاکمیت یک نهاد بین المللی تحت نظر سازمان ملل

بسیاری از کشورها اعتقاد دارند که حاکمیت و مدیریت این فضا بایستی تحت نظارت یک نهاد بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل باشد که البته کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در مراسم افتتاحیه فاز دوم اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی اعلام نمود که سازمان ملل قصد ندارد کنترل این فضا را در دست بگیرد، بلکه تنها می‌خواهد اطمینان حاصل نماید که حق بر دسترسی به اطلاعات که یکی از اصول بنیادین حقوق بشر می‌باشد اعمال گردد و پیشنهاد داد که به جای سیاست‌مداران، متخصصین فنی و حقوقی بین المللی مدیریت این فضا را برعهده بگیرند.

۶-۵-۲- تشکیل کارگروه حاکمیت فضای سایبر

برخی از صاحب نظران حقوقی و سیاست‌مداران معتقد هستند که برای حاکمیت بر این فضا بایستی از نیروهای متخصص استفاده شود که این نظر، در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی ژنو (۲۰۰۳) نیز مطرح گردید و نهایتاً منجر به پیشنهاد تشکیل یک کارگروه گردید که وظایف این گروه در بند ۵۰ اعلامیه مذکور تشریح گردیده است.

به طور اجمالی می توان گفت که این کارگروه وظیفه برنامه ریزی جهت مدیریت این فضا را برعهده گرفت و مقرر گردید که طی نشست و تحقیقات آتی، گزارشی از وضعیت فعلی مدیریت فضای سایبر را برای اجلاس بعدی که اجلاس سران جامعه اطلاعاتی (تونس ۲۰۰۵) می باشد آماده نمایند. و نهایتاً این کارگروه در سال ۲۰۰۴ با چهل عضو رسماً فعالیت خود را زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد آغاز نمود. (W.Bell, 1999)

اما با توجه به نوپا بودن این نهاد، هنوز آنچنان که باید، فعالیت زیادی را انجام نداده اند و به همین دلیل در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی (تونس ۲۰۰۵) پیشنهادات دیگری مبنی بر حاکمیت فضای سایبر ارائه گردید.

۳-۵-۶- حاکمیت غیرانحصاری و چندلایه ای بر فضای سایبر

باتوجه به ویژگی های فضای سایبر، ساختار آن به گونه ای است که آمیزه ای از تمرکز و عدم تمرکز را به همراه داشته و کاربرد آن در تمام کشورهای جهان فراگیر گردیده، لذا حاکمیت بر این فضا، از طرفی نیاز به حاکمیت ملی داشته و از طرفی دیگر برای هماهنگی بین حاکمیت های ملی و زیرساخت های اصلی این فضا در سطح بین المللی نیز نیاز به حاکمیت وجود دارد. لذا کشورهایی که معتقد به حاکمیت انحصاری ملی بر این فضا هستند جنبه های بین المللی آن را در نظر نگرفته اند و کشورهایی که اعتقاد به حاکمیت انحصاری بین المللی دارند، حاکمیت ملی را نادیده گرفته اند.

شاید برخی فکر کنند که قربانیان حملات سایبری فقط دولت ها و سازمان های ذیربط می باشند اما بالغ بر چندین میلیون دلار در سال به شرکت ها و اشخاص حقوق خصوصی ضرر وارد گردیده که اکثر آنها در آمار و گزارشات دولتی لحاظ نگردیده است. بنابراین اگر قرار باشد که حاکمیت و مدیریت بر این فضا به گروه یا دولت خاصی واگذار گردد لازم است که بخش خصوصی نیز در این مدیریت مشارکت داشته باشد.

لذا با توجه به نظرات مختلفی که تاکنون مطرح گردیده، به نظر می رسد که حاکمیت غیرانحصاری و چندلایه ای بین المللی می تواند این مشکل را حل نماید.

اصطلاح حاکمیت غیرانحصاری یا چندلایه ای را اولین بار آقای تام دبلیو بل استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا در هنگامی که دانشجوی حقوق دانشگاه شیکاگو بود، مطرح کرده است. (W.Bell, 1999) آقای بل این اصطلاح را در مقابل "حاکمیت قانون سنتی و عرفی" استفاده کرده است. به نظر می رسد این اصطلاح، چیزی شبیه به مدیریت سازمان جهانی تجارت می باشد که

هم زمان با رعایت حاکمیت ملی، کشورهای عضو مجبور به رعایت اصول و قواعد مندرج در اساسنامه سازمان مذکور نیز می‌باشند و عضویت در آن، هم یک فرصت قلمداد می‌شود و هم یک موقعیت مناسب بین‌المللی را برای دولت عضو به ارمغان آورده و اقتصاد آن کشور را رونق می‌دهد. (W.Bell, 1999)

۷- نتیجه گیری

این فرض که فضای سایبر "حاکمیت" را در تمامی اشکال آن نابود می‌کند؛ یک فرض اشتباه است. هرچند با توجه به ماهیت فراملی جریان اطلاعات در فضای سایبر، این فضا بیشترین تأثیر را در رابطه با حاکمیت داخلی داشته و آن را تحت تأثیر قرار داده و حاکمیت ملی نیز با تغییر یافتن فضای حاکمیتی و تغییر بازیگران در اعمال حاکمیت ملی دچار دگرگونی گشته است. فضای سایبر، حاکمیت موجود را تحت تأثیر قرار داده و مباحث نوینی را در حیطه نظام قدرت جهانی و روابط قدرت داخل کشورها مطرح کرده است. مسائل مربوط به حاکمیت در فضای سایبر برگرفته از محیط واقعی همراه با ابعاد پیچیده و گسترده‌تر ناشی از فضای سایبر است. امروزه کشورها علاوه بر عوامل و فضاهای سنتی رقابت، ناگزیر به رقابت و سرمایه‌گذاری در فضاهای جدید ارتباطی همراه با خصوصیات کاملاً متمایز از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، نظامی و پارادایم‌های فکری هستند. فضای سایبر با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های خود در کنترل کشورهایی خواهد بود که از لحاظ فناوری اطلاعات و ارتباطات، مسائل فرهنگی و ژئوپولیتیک اطلاعات از دیگران برتر باشند. اهمیت این مسئله تا حدی است که بر اساس نظر کارشناسان، چارچوب‌های حاکمیت فضای سایبر باید بر اساس نقش فضای سایبر در کشورها تبیین شود. شواهد نشان‌دهنده آن است که جامعه ایران به لحاظ دسترسی به فضای سایبر در منطقه رتبه بالایی دارد و این موضوع سبب شده است که اهمیت فضای سایبر در انتقال اطلاعات از منابع قدرت به جامعه ایران از اهمیت فوق‌العاده برخوردار شود. چنان‌که برخی گروه‌ها غیر از هیئت حاکمه و بعضاً مخالف آن نیز روی به استفاده از فضای سایبر برای انتقال اطلاعات و تأثیر بر اعضای جامعه بیاورند. گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه فناوری‌های معطوف به ماهیت، ابزار و روش‌های نوین جنگی، تحول و دگرگونی‌های اساسی در گونه‌های مختلف تهدیدهای امنیتی را به دنبال داشته است. با توجه به تمرکز نظام سلطه بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فضای سایبر به منظور تنش‌سازی‌های متراکم و گسترده قومی، فرقه‌ای، اجتماعی و ایجاد بی‌اعتمادی میان جامعه و حاکمیت و تهاجم شبکه‌ای تاکتیکی با هدف مختل‌سازی

مدیریت امور جاری کشور، جنگ نرم سایبری یکی از مهم ترین جلوه های تهدید آفرین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر نحوه حاکمیت بر فضای سایبر، می توان گفت جمهوری اسلامی ایران برای اعمال حاکمیت و حفظ استقلال خود در فضای سایبر نه سند جامع، نه سیاست گذاری جامع و نه از نظر حقوقی برنامه ریزی جامعی انجام نداده و تنها یک کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه داشته که ترکیب آن به هیچ وجه مناسب با کارکردهای آن نیست و در یک کلام در اعمال حاکمیت بر فضای سایبر دچار مشکل هستیم اما آینده پژوهی و نگرش جامع در این حوزه می تواند چاره ساز باشد و در این راستا، ایران (در چند سال اخیر) همچون کشورهای دیگر، هم از روش قانون گذاری ملی و هم از روش های مورد توافق جامعه بین المللی استفاده کرده و خواهد نمود.

منابع و مآخذ:

- احمدی‌نیا، حسین (۱۳۸۵)، **نقش سازمان‌های بین‌المللی بر حاکمیت دولت‌ها**، تهران، نشر پرتو بیان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، چاپ چهارم، مشهد، انتشارات پاپلی.
- سلیمانی‌پورلک، فاطمه (۱۳۹۲)، **قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا**، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریم‌پور آکردی، غلامرضا (۱۳۹۳)، **ت‌هاجم فرهنگی و استراتژی جنگ نرم**، تهران، انتشارات زعیم.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)، **فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عصر مجازی)**، تهران، انتشارات سمت.
- نگری، آنتونیو و هارت، مایکل (۱۳۹۷)، **امپراتوری**، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران، انتشارات قصیده‌سرا.
- حاجی زین العابدینی، محسن (۱۳۸۷)، **حاکمیت بر اینترنت و مدیریت اطلاعات**، اطلاع‌رسانی و کتابداری، تهران، شماره ۱۹.
- ضیایی، سیدیا سر؛ شکیب‌نژاد، احسان (۱۳۹۶)، **قانونگذاری در فضای سایبر، مجله حقوقی بین‌المللی**، دوره ۳۴، شماره ۵۷.
- عبدالمطلب، عبدالله؛ اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۰)، **از هژمونی تا قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، پیاپی ۱۴.
- قادری‌حاجت، مصطفی و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، **فضای سایبر؛ چالش‌های فرا روی حاکمیت و امنیت پایدار، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی**، سال اول، شماره ۲.
- مجتهدزاده، پیروز و حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۸)، **برابرسازی معنایی واژگان جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال چهارم، شماره اول.
- مقتدر، یونس، کتابی، محمود (۱۳۹۷)، **بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم ایران، ره‌یا فت انقلاب اسلامی**، ۱۲(۴۵).
- پایان‌نامه:**
- باقری (۱۳۹۷)، **پدیده‌های ناامنی نرم‌افزاری و امنیت هستی‌شناختی در جمهوری اسلامی ایران (تأثیر فضای سایبر بر هویت فردی و ملی)**، پایان‌نامه دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر.
- بهمنی، محمد سعید (۱۳۹۱)، **تأثیر اقدامات در فضای سایبری بر امنیت ملی کشورها با تأکید بر سایت ویکی‌لیکس**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- زمانیان، جواد (۱۳۹۰)، **براندازی نظام در فضای سایبری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.
- شهباز، حجت (۱۳۹۶)، **نقش قدرت سایبری در هندسه قدرت جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی دانشگاه باهنر کرمان.
- عزیزی‌فر، محمدجواد (۱۳۹۵)، **تأثیر فضای سایبر بر مولفه‌های جغرافیایی سیاسی امنیت ملی با تأکید بر (حاکمیت، اقوام و هویت)**، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
- Bell, david (2001) **An Introduction to cyber culture**, Rutledge publication.
- Cox, Kevin & others (2008) **The SAGE Handbook of Political Geography**. SAGE Publication, London, UK.
- Dodge, Martin & Rob kitchen (2001) **Mapping Cyberspace**, Rutledge publication.
- Everard, Jerry (2000) **Virtual States The Internet and the boundaries of the nation-state**, Rutledge publication.
- The white house (2003) **The national Strategy to secure cyberspace**, Washington.
- Folke, C. Hahn, T. Olsson, P. & Norberg, J. (2005) **Adaptive Governance of Social-Ecological Systems**. Annual Review of Environment and Resources, 30.
- W.Bell, Tom (1999), **Polycentric Law in the New Century, "Policy"**, publication of The Center for Independent Studies, St Leonards, Australia, Autumn.